

ماهیت و آثار خسارت تنبیهی در حقوق ایران و تحلیل مزایا و معایب قابلیت بیمه کردن آن

فرزاد کرمی کلمتی^۱

^۱دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

نویسنده مسئول:

فرزاد کرمی کلمتی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۶۲-۵۲

چکیده

«خسارت تنبیهی»، نوعی از خسارات است که خواننده به خاطر رفتار توأم با تجری و سوء نیتی که در ایراد خسارت داشته، باید به خواهان بپردازد و اهدافی نظیر بازدارندگی افراد جامعه از ایراد زیان عمدی را دارد؛ بر اثر انتقادات وارده مبنی بر ایجاد اختلاط بین وظائف حقوق جزا و حقوق مدنی، در بعضی کشورها محدودیت‌هایی در اعمال آن بوجود آمده است. خسارت تنبیهی یک ضمانت اجرای مدنی قوی می‌باشد و نمی‌تواند یک مجازات به معنای اخص آن باشد و این ضمانت اجرا مخصوص بحث مسوولیت مدنی خارج از قرارداد نیست، بلکه در حقوق قراردادهای هم قابلیت اعمال دارد. میزان خسارت تنبیهی با توجه به اوضاع و احوال پرونده توسط دادگاه مشخص می‌شود اما گاهی بعضی قوانین اختیارات دادگاه را در تعیین میزان آن محدود ساخته‌اند. موضوعی که در این مقاله قابل بحث خواهد بود اینست که آیا چنین خسارات عمدی اساساً قابل بیمه هستند؟ رویه کشورهای مختلف در این زمینه متفاوت بوده و برخی از کشورها صرفاً شمول پوشش بیمه‌ای را به خسارت تنبیهی پذیرفته و برخی دیگر با این موضوع شدیداً به مخالفت برخاسته‌اند البته کسانی که از قابلیت بیمه نمودن خسارت تنبیهی دفاع می‌کنند معتقدند که مسوولیت باید بدون تقصیر بوده و خسارات وارد شده کاملاً مالی باشد، در مقابل «دیدگاه مخالفین» این است که خسارت تنبیهی نوعی مجازات است و مجازات قابل بیمه نمی‌باشد، زیرا این امر خلاف نظم عمومی است. که در این مقاله به ارزیابی دیدگاه‌های موجود و معایب و مزایای آن خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها: خسارت، خسارت تنبیهی، بیمه کردن، تقصیر.

۱- مقدمه

خسارت تنبیهی که خاستگاه آن کشورهای تابع سیستم کامن لا بالاخص (انگلستان- آمریکا- استرالیا) بوده، در زبان انگلیسی نیز غالباً با واژه‌ی punitive مورد استفاده قرار می‌گیرد (Garner, 2011). برخلاف سیستم روم- ژرمن اساساً جایی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد که جبران خسارت صرف ناکافی باشد بعبارت دیگر خسارت تنبیهی نوعی از خسارت است که خوانده بعلاوه رفتار گستاخانه‌ای که در بروز خسارت داشته است باید به زیان دیده بپردازد (تقی زاده و دیگران- ۱۳۹۱: ۴۹). مهمترین توجیهی که برای خسارت تنبیهی ارائه شده است. عبارت است از مجازات و جلوگیری از رفتارهای خاص مخصوصاً در جایی که رفتار عمدی توأم با سؤنیت باشد با این حال خسارت تنبیهی در حقوق داخلی ایران پیش بینی نشده است هرچند که در بعد بین‌المللی و در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ و اصلاحیه آن در سال ۱۳۹۰ خسارت تنبیهی وارد حقوق ایران شده است (داراب پور و دیگران، ۱۳۹۴). منتها موضوعی که قابل بحث و بررسی است این است که آیا اساساً چنین خسارتی قابل بیمه هستند؟ زیرا چالش موجود در خصوص بیمه پذیری هر حادثه‌ای مربوط به ماهیت حقوقی حوادث و آثار بیمه پذیری آنهاست چنانچه قابلیت بیمه کردن خسارت تنبیهی هدف از مجازات نمودن و بازدارندگی را خنثی نماید در واقع نمی‌توان بیمه پذیری را برای تمامی موضوعات، تعمیم داد زیرا عده‌ای معتقدند مجازات و جرایم قابل بیمه نیستند هرچند که عده‌ای معتقدند که اصل حاکمیت اراده و آزادی اراده طرفین مانعی را در قابلیت بیمه نمودن چنین خسارتی نمی‌تواند ایجاد نماید. در همین راستا در بسیاری از کشورها ۲ دیدگاه متفاوت در این زمینه بروز نموده است که عده‌ای با احصاء مزایای آن طرفدار بیمه نمودن خسارت تنبیهی و عده‌ای نیز با بر شمردن معایب آن مخالف چنین اقدامی هستند که در ذیل به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۲- مفهوم خسارت تنبیهی

در حقوق انگلستان، معادل «خسارت تنبیهی»، exemplary damage است و در حقوق آمریکا از عبارت punitive damage استفاده می‌کنند (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۹۰)؛ علاوه بر دو اصطلاح فوق، در حقوق خارجی برای بیان مفهوم خسارت تنبیهی از عبارات vindictive damage و presumptive damage هم استفاده شده است (p.164 black, 1968).

اگر چه اصطلاحات فوق از نظر لغوی، معنای شبیه به هم دارند، از نظر اصطلاحی نیز مفهومی کاملاً منطبق با هم دارند. در نظام‌های حقوقی، مختلف هر یک از این اصطلاحات به کار برده می‌شود. در خصوص این نهاد حقوقی، بین حقوقدانان ایرانی، اصطلاح «خسارت تنبیهی» رایج است که در «ماده واحده قانون اصلاح قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی»، نیز از آن استفاده شده است، در این مقاله نیز از این عبارت استفاده خواهد شد؛ هر چند برخی از حقوقدانان از اصطلاحات دیگری، نظیر «خسارت کیفری» (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۹۶) «خسارت عبرت آموز» (باقری و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۴۲۵) «خسارت تریبی» (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۹۰) و اصطلاحات مشابه دیگر نیز استفاده کرده‌اند.

فرهنگ حقوقی «Black»، در تعریف خسارت تنبیهی بیان داشته است: «درجه افزایش یافته‌ای از خسارت‌ها می‌باشد، که در جایی که خواننده در ایراد زیان، رفتار توأم با بی احتیاطی، سوءنیت یا خدعه از خود بروز داده است، به نفع خواهان حکم داده می‌شود...» (black, 1968, p.164). فرهنگ حقوقی «Oxford» در این رابطه بیان داشته: «خسارتی است که برای مجازات خواننده در قبال زبانی که به خواهان رسانده، برای جبران، به خواهان پرداخت می‌شود» (Oxford, 1377, p179). به نظر می‌رسد این تعریف ناقص است؛ خسارت تنبیهی جنبه جبرانی ندارد؛ یعنی غیرترمیمی است، ولی آنچه از این تعریف بر می‌آید این است که با توجه به استفاده از عبارت «compensate»، خسارت تنبیهی جنبه ترمیمی دارد. ضمن اینکه بهتر بود، از عبارت «punish» نیز استفاده نمیشد؛ زیرا خسارت تنبیهی با مجازات تفاوت دارد، اما در هر حال، جنبه بازدارندگی خسارت تنبیهی از این تعریف قابل برداشت است. در تعریف دیگری از خسارت تنبیهی، گفته شده است: «جایی که رفتار خواننده عمدی، خودسرانه، جسورانه یا از روی بدخواهی باشد دادگاه مقرر می‌کند که او مبلغی را علاوه بر خسارت ترمیمی بپردازد.

در حقوق داخلی نیز تعاریفی از این اصطلاح صورت گرفته است، به عنوان نمونه گفته شده: «خسارت تنبیهی در فرضی است که رفتار خواننده علاوه بر ورود خسارت، نسبت به خواهان اهانت آمیز باشد، یا بی اعتنائی او را نسبت به ایمنی دیگران نشان دهد، یا همراه با تمهیدی برای خودداری از جبران خسارت باشد» (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). هم چنین گفته شده است خسارت تنبیهی: «عبارت است از مبلغی که علاوه بر خسارت ترمیمی به دلیل وقوع عمد یا سوءرفتار خواننده، به نفع خواهان رای داده می‌شود» (مقصودی پاشاکی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲).

بنابراین، در تعریف «خسارت تنبیهی» می‌توان گفت: «نوعی خسارت مازاد بر خسارات ترمیمی است، که خواننده به خاطر جسارت و تجری که در رفتار زیانبار خود داشته است، باید به حکم دادگاه به خواهان بپردازد».

۳- خسارت تنبیهی در حقوق ایران

در حقوق ایران، با تصویب «قانون اصلاح قانون صلاحیت محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی» در سال ۱۳۷۹، مفهوم خسارت تنبیهی به طور محدود وارد سیستم حقوقی شد و اکنون در پرونده‌های بین‌المللی، به صورت رفتار متقابل مورد رأی واقع می‌شود، این قانون، در پاسخ به اصلاحیه سال ۱۹۹۶ «قانون مصونیت حکام خارجی ایالات متحده آمریکا» (ForeignAct Immunity Sovereign) و احکام متعاقب آن، تصویب شد. در حقوق ایران، اصل اولیه و کلی در جبران خسارت، اعاده وضع زیان‌دیده به حالت سابق است که از مواد مختلف قانون مدنی و سایر قوانین مبانی، به راحتی استخراج می‌شوند؛ لذا اصل بر ترمیمی بودن خسرات است. در ایران، به غیر از قانون فوق‌الذکر که فقط مربوط به پرونده‌های بین‌المللی است، در قوانین دیگر تصریحی در خصوص خسارت تنبیهی وجود ندارد و تلاش بعضی حقوقدانان، در مبتنی کردن این نوع خسارت به اصول کلی در جبران‌ها، بی‌نتیجه مانده است؛ بنابراین، در حال حاضر صدور حکم مبنی بر پرداخت خسارت تنبیهی در حقوق داخلی ایران، وجهه‌ی قانونی ندارد. در حقوق ایران، نهادهایی وجود دارد که وجوه تشابهی با خسارت تنبیهی دارند، برای مثال وجه التزام یا دیه یا جریمه اجبار گاهی جنبه‌ی تنبیهی هم پیدا می‌کند. همچنین از طریق خسارت معنوی، یا خسارت تأخیر تأدیه تا حدودی می‌توان، به اهدافی نظیر آنچه در بحث خسارت تنبیهی وجود دارد، نائل شد، ولی باید توجه داشت که هیچ یک از این نهادها منطبق با نهاد خسارت تنبیهی نیست.

۴- اهداف خسارت تنبیهی

موارد زیر را میتوان از اهداف دادگاه‌ها و قانون، در صدور احکام مبنی بر پرداخت خسارت تنبیهی دانست:

۴-۱- تنبیه یا مجازات^۱

این هدف، در واقع جزئی از ماهیت شبه کیفری خسارت تنبیهی است، به عبارت دیگر، این وظیفه خسارت تنبیهی حاکی از معنی تعادل، عدالت و استحقاق می‌باشد (Salbu, 1997, p22). البته خواهیم دید که تنبیه یا مجازات مدنظر در بحث خسارت تنبیهی، با مجازات به معنی اخص، که در حقوق جزا و مسئولیت کیفری از آن بحث می‌شود؛ تفاوت دارد.

۴-۲- بازدارندگی^۲

مهمترین هدف خسارت تنبیهی، بازدارندگی آن است؛ زیرا محکوم علیه را از تکرار دوباره عمل باز میدارد و همچنین نسبت به سایر افراد جامعه یا حداقل افراد با شغل مشابه محکوم علیه جنبه بازدارندگی دارد (Nelson, 1982, p377).

۴-۳- ترمیم^۳

در آمریکا، خسارت تنبیهی در سه مصداق ذیل جنبه ترمیمی هم پیدا می‌کند:
اول- در خصوص حق الوکاله؛ به این علت که در آمریکا، حق الوکاله را خود موکل باید پرداخت کند و جزء خسارات مورد حکم دادگاه قرار نمی‌گیرد، در حالیکه به عنوان مثال در ایران، حق الوکاله مطابق ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی جزء خسارات ترمیمی است (ندرتی کلوانق، ۱۳۸۶، ص ۲۵).

دوم- وقتی محاسبه خسارت ترمیمی مشکل باشد، به خصوص در بحث خسارت معنوی (همان، ص ۲۵).
سوم- زمانی که اثبات ورود ضرر واقعی مشکل باشد مثل نقض مالکیت فکری (همان، ص ۲۵). ایجاد امنیت در فضای اقتصادی، منفعت زدایی، آموزش و تأیید رفتار استاندارد اجتماعی و... از جمله اهداف دیگر خسارت تنبیهی بر شمرده شده‌اند که مجال پرداختن به آنها در این نوشته وجود ندارد (Cody, 1997, p35).

۵- ماهیت کیفری یا مدنی خسارت تنبیهی

یکی از مباحث مهم، در بحث خسارت تنبیهی ماهیت این نهاد می‌باشد؛ زیرا بعضی حقوقدانان آن را نوعی مجازات می‌دانند و بعضی آن را یک ضمانت اجرای مدنی در نظر می‌گیرند، عده‌ای هم آن را فقط نوعی جریمه می‌دانند. در ادامه، ابتدا ماهیت خسارت تنبیهی تبیین می‌شود، و سپس، قلمرو این خسارت در بحث قراردادهای، بررسی می‌گردد. در اینکه مبنای خسارت تنبیهی، ترمیم و جبران خسارت نیست،

¹ Punishment

²

³

بلکه تنبیه و جلوگیری از تکرار عمل توسط خواننده و دیگران است، شکی نیست. ولی این سؤال مطرح می‌شود که فرق خسارت تنبیهی با مجازات چیست؟ آیا خسارت تنبیهی در بحث مسئولیت کیفری مطرح است یا در حیطه مسئولیت مدنی است؟ همانگونه که ذکر شد، یکی از انتقاداتی که در انگلستان، به بحث خسارت تنبیهی وارد شده است، ایجاد اختلاط بین وظایف حقوق مدنی و کیفری است و این مشکل وجود دارد که خواننده، در دعوای خسارت تنبیهی بدون داشتن تضمیناتی که در بحث کیفری برای متهم وجود دارد، مجازات و تنبیه می‌شود، مثلاً در رسیدگی کیفری، مرحله دادسرا هم وجود دارد که در رسیدگی‌های مدنی وجود ندارد.

نکته دیگری که اختلاط وظایف حقوق کیفری و مدنی را در بحث خسارت تنبیهی تشدید می‌کند، این است که خسارت تنبیهی بر مبنای ساختار سنتی کامن‌لا، که همان سوءنیت و عمد خواننده در معنای بدخواهی و تقلب یا بی احتیاطی است، صرف نظر از نتایج حاصله، استوار است و برای دریافت این نوع خسارات، خواهان مکلف است به شکلی قابل قبول سوءنیت متعدیانه و عمدی بودن رفتار خواننده را اثبات کند (Lawson, 2007, p1).

نویسندگان در حقوق کامن‌لا، با توجه به مراتب فوق، در نوشته‌های خود، از اصطلاحات و عبارات مختلفی در بیان ماهیت خسارت تنبیهی استفاده کرده‌اند که هر یک ذهن را منصرف به وضع متفاوتی از نظر ماهیت خسارت تنبیهی می‌کند، عده‌ای خسارت تنبیهی را نوعی ضمانت اجرای مدنی (sanction Civil) دانسته‌اند (Curcio, 1996, p343). بعضی دیگر از اساس به کار بردن اصطلاح خسارت را برای این مفهوم درست نمی‌دانند و معتقدند خسارت در حالتی به کار می‌رود که جنبه ترمیم وجود داشته باشد و نه تنبیه؛ لذا اصطلاح جریمه (Fine) را ترجیح داده‌اند (Olson, 1989, p.1).

عده‌ای دیگر، خسارت تنبیهی را نوعی مجازات در دعوای مدنی دانسته‌اند (Punitive damages). برخی نویسندگان هم ماهیتی بین حقوق کیفری و حقوق مدنی برای خسارت تنبیهی قائل شده‌اند (Heriot, 2001, p1).

در جمع بندی باید گفت: در اینکه خسارت تنبیهی ماهیتی شبه کیفری و اهدافی شبیه به مجازات دارد، تردیدی نیست، ولی به هیچ وجه نمیتوان خسارت تنبیهی را نوعی مجازات به معنای اخص دانست؛ زیرا اولاً: مجازات، نتیجه عملی است که آن عمل جرم (Crime) است در حالی که خسارت تنبیهی، اصولاً در برابر ارتکاب جرم پرداخت نمیشود، بلکه عمل خواننده در این نوع دعوای شبه جرم (Tort) است که جزء مباحث مسئولیت مدنی است، نه مسئولیت کیفری، و اگر جرمی نیز اتفاق افتاده باشد، به خاطر ارتکاب آن جرم به زیان دیده خسارت تنبیهی تعلق نمی‌گیرد، بلکه به لحاظ جنبه مدنی و مسئولیت فاعل زیان از باب شبه جرم، تعلق می‌گیرد. ثانیاً: میزان مجازات را قانون مشخص می‌کند و دادگاه حق تجاوز از میزان مشخص شده توسط قانون‌گذار را ندارد؛ در حالی که میزان خسارت تنبیهی را اصولاً هیئت منصفه و قاضی دادگاه مشخص می‌کنند. ثالثاً: خسارت تنبیهی به خواهان پرداخت می‌شود، نه به دولت و نمیتوان آن را نوعی جزای نقدی محسوب کرد؛ خسارات نزدیک میکند؛ علاوه بر این طرح بحث خسارت تنبیهی در کتاب‌های مربوط به شبه جرم و مسئولیت مدنی، مؤید مطالب فوق می‌باشد. همانطور که اشاره شد، این که خسارت تنبیهی، مجازات نیست مانع از آن نخواهد بود که در دعوای کیفری، دادگاه علاوه بر مجازات، در جایی که ضرر و زیانی اعم از مالی، جانی و حیثیتی به شاکی وارد شده است، مبلغی را به عنوان خسارات تنبیهی معین کند، تا متهم به شاکی بپردازد؛ ولی باز هم تأکید می‌شود که این مبلغ نه از باب مجازات به معنای اخص است، بلکه از باب جنبه مدنی می‌باشد؛ به عنوان نمونه در پرونده (Poes v Brown John) که موضوع ضرب و شتم عمدی نسبت به شاکی بود؛ دادگاه پرداخت خسارت تنبیهی را نیز مورد حکم قرار داد. لازم به ذکر است که صدور حکم به پرداخت این نوع خسارت نیازمند درخواست شاکی به عنوان خواهان است (Complain for damage at: www.icarusfim.com, p.1).

۶- احکام و آثار خسارت تنبیهی

در این مبحث احکام و آثار خسارت تنبیهی، هدف ما بررسی میزان خسارت تنبیهی و قابلیت بیمه کردن خسارت تنبیهی می‌باشد.

۶-۱- میزان خسارت تنبیهی

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که وقتی شرایط فراهم بود و دادگاه به این نتیجه رسید که خواننده باید محکوم به پرداخت خسارت تنبیهی شود، چه ملاک و معیارهایی را در تعیین میزان خسارت تنبیهی باید رعایت کند؟ در دعوای (State Farm V Campbell) قاضی و هیئت منصفه، خواننده را محکوم به پرداخت ۲/۶ میلیون دلار خسارت ترمیمی (Compensatory damage) و ۱۴۵ میلیون دلار خسارت تنبیهی نمودند و دیوان عالی نیز این رأی را با کسر مبلغ خسارت ترمیمی به مبلغ ۱ میلیون دلار تأیید کرد، یعنی خسارت تنبیهی در این دعوا حدود ۱۴۵ برابر خسارت ترمیمی بود (Becker, 2003, p.1).

در دعوی (Philip Morris V Williams) دیوان عالی ایالات متحده خوانده را به خاطر تولید سیگار نامرغوب، که باعث مرگ مورث خواهان‌ها به خاطر سرطان ریه شده بود به پرداخت مبلغ ۸۲۱ هزار دلار خسارت ترمیمی و ۷۹/۵ میلیون دلار خسارت تنبیهی محکوم نمود یعنی خسارت تنبیهی حدود ۹۷ برابر خسارت ترمیمی بود.

براساس آمارهای بدست آمده از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۴ حدود ۴ درصد از آراء صادره از محاکم در آمریکا، مربوط به خسارت تنبیهی بوده است که میانگین میزان خسارت تنبیهی در این موارد بیش از یک میلیون دلار بوده است؛ حتی گاهی در آراء صادر از محاکم انگلیسی و آمریکایی، میزان خسارت تنبیهی به ۷۱۰ برابر خسارت ترمیمی رسیده است (p.3, pacifisearch.org).

لازم به ذکر است، میزان خسارات تنبیهی در گذشته زیاد نبوده است و حتی گاهی اصلاً قانع کننده نبوده، ولی کم کم میزان آن در کشورهای مختلف افزایش یافته است.

برای ممانعت از تشمت آراء در این زمینه و جلوگیری از رشد بی رویه میزان خسارت تنبیهی، عده‌ای اعتقاد دارند که باید میزان خسارت تنبیهی را قانون مشخص کند، در همین راستا در ایالت تگزاس حداکثر میزان خسارت تنبیهی ۴ برابر خسارت ترمیمی یا حداکثر ۲۰۰ هزار دلار است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۶)؛ یا اینکه در ایالت فلوریدای آمریکا در دعوی مربوط به خطای پزشکی سقف خسارت تنبیهی مبلغ پانصد هزار دلار شناخته شده است. یا این که در راستای اعتقاد اقتصاددانان که گفته‌اند میزان زیاد خسارت تنبیهی در فضای کسب و کار ایجاد اختلال می‌کند، قوانین مربوط به اتحادیه‌های صنایع (Antitrust Laws) میزان خسارت تنبیهی را حداکثر سه برابر مشخص کرده‌اند (ویولن، ۱۳۸۷، ص ۱۰). علاوه بر این در بعضی ایالات، این اعتقاد وجود دارد که اختیار قاضی و هیئت منصفه نباید در این رابطه بدون محدودیت باشد؛ زیرا اعمال خسارت تنبیهی سنگین به اقتصاد لطمه می‌زند و باعث گرانی و قیمت تصادفی کالا می‌شود؛ چون فرد محکوم علیه از طریق افزایش قیمت کالاهای خود در پی جبران محکومیت‌های خود بر می‌آید، لذا دیوان عالی ایالات متحده در پرونده‌ای اعلام کرد که نسبت خسارت تنبیهی و خسارت ترمیمی باید یک رقمی باشد یعنی حداکثر ۹ برابر (Becker, 2003, p2). ولی نسبت به این ایده انتقاد شده است؛ چنانچه یکی از قضات دیوان عالی آمریکا، (Scalia Antonin) گفته است تعیین میزان خسارت تنبیهی باید در اختیار قاضی دادگاه و هیئت منصفه باشد تا براس نوع و شرایط هر قضیه قضاوت کنند (Ibid, p2) یا این که در قضیه (Campbell V Farm State) قاضی پرونده معتقد بود، خسارت تنبیهی باید متناسب باشد و این تناسب را قاضی و هیئت منصفه تشخیص می‌دهند؛ لذا در این پرونده همانطور که اشاره شد اقدام به صدور رأی مبنی بر خسارت تنبیهی به میزان ۱۴۵ میلیون دلار نمودند (Court, 2004, P2).

نظر مشهور بر این است که خسارت تنبیهی باید متناسب و معقول باشد، هر چند گاهی از طریق اختصاص مقداری از خسارت تنبیهی به دولت، (برای مثال در دعوی مسئولیت ناشی از عیب تولید) یا از طریق محدود کردن نحوه اثبات (برای مثال محدود کردن روش اثبات به دلیلی که به روشنی سبب اقناع وجدان شود) دولت‌ها میل و اشتیاق خواهان را به مطالبه خسارت تنبیهی کاهش داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸).

با توجه به مراتب فوق، به نظر می‌رسد از یک طرف، عدم محدودیت در تعیین میزان خسارت تنبیهی و واگذاری آن به صورت کامل به سلیقه قاضی و هیئت منصفه، پسندیده نیست و می‌تواند باعث سوءاستفاده و نیز تشمت آراء گردد، و از طرف دیگر، تعیین دقیق حداقل و حداکثر در قانون برای خسارت تنبیهی نیز صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا خسارت تنبیهی باید بر مبنای اوضاع و احوال قضیه و در هر مورد خاص بررسی شود و پیشبینی میزان آن ممکن است این نهاد را از نیل به اهدافش بازدارد، لذا به ظاهر، پذیرش یک نسبت معقول بین خسارت تنبیهی و خسارت ترمیمی، برای مثال یک نسبت تک رقمی روش مناسبی خواهد بود.

۶-۲- قابلیت بیمه کردن خسارت تنبیهی

دعای بیمه‌ای، از حیث ادله‌ای اثباتی عمدتاً از اصول و مقررات ناظر بر سایر دعای تبعیت می‌کند. در این دعای نیز خواهان باید در مقام اثبات دعوا بر آید و جز در مواردی که دلایل او بر دفاعیات خوانده غلبه کند، برنده‌ی دعوا نخواهد بود. در عین حال، قراردادهای بیمه‌ای تابع اصولی است که در فرض اختلاف طرفین دادگاه مکلف به اجرای این اصول است و از این جهت دعای بیمه‌ای از سایر دعای متمایز می‌گردند. اصل جبران خسارت از جمله اصولی است که در بیمه‌های خسارت حائز اهمیت فوق العاده‌ای است (اقبالی و دیگران ۱۳۹۵). درواقع، محاکم دادگستری مکلف‌اند در دعای بیمه‌ای به اصل جبران خسارت کاملاً توجه کرده و اختلافات حاصله را در پرتو این اصل حل و فصل نمایند.

اصل یاد شده دارای دو اثر مهم است: نخست اینکه، همانند مسئولیت مدنی، در اینجا نیز «اصل لزوم جبران کامل خسارت» حاکم است. این اصل اقتضاء می‌کند که بیمه‌گر به طور کامل خسارت زیان‌دیده را جبران کند و او را تا حد امکان در موقعیت قبل از روی دادن حادثه زیان‌بار قرار دهد. اما، از طرف دیگر، پوشش چنین بیمه‌ای نباید منجر به افزایش دارایی زیان دیده شود و نسبت به قبل از روی دادن حادثه او را در موقعیتی بهتر قرار دهد (کریمی، ۱۳۸۸: ۶۰).

با این حال، بیمه‌های اشخاص، برخلاف بیمه‌های خسارت، مبتنی بر «اصل جبران خسارت» نیستند و بیمه‌گر تعهد می‌کند، در صورت تحقق خطرات موضوع بیمه‌نامه مبلغ مقطوع مندرج در قرارداد بیمه را به ذینفع پرداخت نماید، صرف نظر از اینکه میزان خسارت چه میزان باشد. در واقع این نوع بیمه نوعی سرمایه‌گذاری است و به همین دلیل شخص می‌تواند برای خطری واحد بیمه‌نامه‌های متعدد داشته باشد و برای مثال، نزد چند شرکت بیمه خود را بیمه عمر نماید و در صورت مرگ وی افراد ذینفع تعیین شده در بیمه‌نامه از چند جا مبالغی دریافت کنند (افشار، ۱۳۸۷، صص ۱۷-۱۸).

در خصوص قابلیت بیمه کردن خسارت تنبیهی در حقوق کشورهای مختلف رویکرد متفاوتی اتخاذ شده است. برخی از کشورها صراحتاً شمول پوشش بیمه‌ای را به خسارت تنبیهی پذیرفته‌اند و برخی دیگر با این موضوع شدیداً به مخالفت برخاسته‌اند. البته براساس دیدگاه کسانی که از قابلیت بیمه نمودن خسارت تنبیهی دفاع می‌کنند، این موضوع صرفاً در مواردی صادق است که مسئولیت بدون تقصیر بوده و خسارت وارد شده کاملاً مالی باشد. دلیلی که در این خصوص ابراز شده است این است که اگرچه پذیرش بیمه مسئولیت در این خصوص باعث بی احتیاطی خوانده بالقوه می‌شود و در نتیجه این امر منجر به افزایش حوادث می‌شود، با این حال این موضوع در وضعیت قربانی تأثیری ندارد زیرا به احتمال زیاد خسارتی که به وی وارد شده است کاملاً جبران خواهد شد (SIRIVIRIYAKUL, cit.op, p10).

بخش بیمه بطور دائم مجبور به بازنگری روش عمل و عکس‌العمل سازوکارهای خود می‌باشد که پس از هرگونه خسارت بزرگ فاجعه‌آمیز، این امر ضرورت بیشتری می‌یابد. وقتی بر اثر موضوعات حقوقی جدید و اتفاقات غیر قابل پیش بینی، خسارات مالی مهمی بازار بیمه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در واقع حدود توانایی شرکت‌های بیمه برای جذب خطرات بزرگ مورد آزمون قرار می‌گیرد. به دلیل کمبود منابع مالی (شرایط مالی) ممکن است بسیاری از شرکت‌ها در هر زمان بیمه‌نامه‌های تحت شرایط خاص را فسخ نمایند. این اساسی ترین مسأله می‌باشد زیرا وقوع زیان‌های بزرگ مالی می‌تواند چشم انداز ریسک را بطور سریع و اساسی تغییر دهد تا جایی که ارزیابی ریسک بسیار دشوار گردد. پی بردن به تکرار و شدت بالقوه یک خسارت و اینکه خسارات ایجاد شده از یک حادثه بیمه شده چه وقت و چگونه قابل جبران می‌باشد، یک ضرورت و پیش شرط برای تجارت بیمه محسوب می‌شود. بیمه‌گر فقط می‌تواند در محدوده بیمه‌پذیری عمل نماید. این محدودیت‌ها نه تنها به واسطه یک ظرفیت بیمه‌ای محدود بلکه بواسطه دیگر پارامترها نیز تعریف می‌شود. بعضی از این پارامترها در خصوص محدودیت‌های عرضه می‌باشند خواه به صورت اجباری و یا به صورت محدودیت‌های قانونی، عدم توانایی در قیمت‌گذاری بیمه‌ای به روش اقتصادی ثابت و همچنین ناتوانی در ایجاد راه حل‌های مناسب انتقال ریسک. محدودیت‌های بیمه‌پذیری به واسطه نیاز به کنترل مشکلات و مسائل مرتبط با اطلاعات نامتقارن به ویژه مخاطرات اخلاقی و انتخاب معکوس در شرایط اقتصادی تحمیل می‌شوند. موضوع دیگر این است که سطح عدم اطمینان ممکن است آنچنان زیاد شود که بطور مستقل قابل کنترل نباشد (هارونی ۱۳۸۶، ص ۵۳).

با این حال، در مواردی که خسارت وارد شده به شخص مالی نباشد، خسارت وارد شده قابلیت جبران کامل را نخواهد داشت زیرا مواردی مانند مرگ یا از دست دادن اعضا، جبران کامل خسارت غیرممکن است و از شخص قربانی نیز نمی‌توان با استفاده از قواعد مبتنی بر تقصیر حمایت کرد چرا که ممکن است خوانده به هیچ عنوان مرتکب تقصیر نشده باشد. از طرفی دیگر بیمه نمودن خسارت تنبیهی باعث افزایش رفتار مخاطره‌آمیز می‌شود زیرا اشخاص با بیمه نمودن خسارت تنبیهی از انجام رفتار مخاطره آمیز در خود ترسی راه نمی‌دهند، زیرا می‌دانند که شرکت‌های بیمه تمام و یا قسمت زیادی از خسارت وارد شده را جبران خواهند کرد.

بدواً لازم به توضیح است که چون در حقوق خصوصی و حقوق داخلی ایران نهاد خسارت تنبیهی پیشبینی نشده است و اساساً ایران نیز به مثابه کشورهای عضو سیستم رومی- ژرمنی اعتقادی به پذیرش چنین نهادی نداشته و از سیستم‌های جایگزین مانند دیه- جریمه اجبار- خسارت تأخیر... استفاده می‌کند. بنابراین موضوع بحث نمی‌تواند در حقوق ایران مصداق داشته باشد، اما در اکثر کشورهای تابع سیستم کامن لا بالاخص آمریکا و انگلستان چنین مباحثی دارای ارزش و جایگاه والایی است.

مثلاً در آمریکا قوانین ایالتی ناظر بر احکام خسارات تنبیهی درخصوص شرایطی که در آنها خسارات تنبیهی در پرونده‌های متضمن مسئولیت ناشی از فعل غیر قابل اعمال بر خوانده می‌شود متفاوت و مختلف می‌باشد. با وجود این در اکثر ایالت‌هایی که مسئولیت اصیل را در قبال خسارات تنبیهی ناشی از فعل نماینده پذیرفته‌اند، بیشتر از آنچه که نماینده در حیطه‌ی استخدامیاش مسئولیت دارد به اصیل یا کارفرما مسئولیت تحمیل می‌نمایند. گروه بزرگی از این ایالات، مقررات ذیل را در دومین شرح جدید حقوق مسئولیت مدنی، در خصوص مسئولیت ناشی از فعل غیر در قبال خسارات تنبیهی را پذیرفته‌اند. مواضع در این خصوص از ایالتی به ایالتی دیگر فرق می‌کند بعضی ایالات بیمه کردن خسارات تنبیهی را مجاز می‌دانند، درحالی که ایالت‌های دیگر بر این اساس که بیمه کردن خسارت تنبیهی برخلاف نظم عمومی است؛ بدین دلیل که مجازات قابلیت انتقال ندارد، لذا آن را قابل بیمه نمی‌دانند. تعدادی ایالت‌های دیگر در این خصوص سکوت اختیار کرده‌اند. ایالت‌های آلاباما، آلاسکا، آریزونا، آرکانزاس، کانکتیکوت، دلاوار، جرجیا، هاوایی، ایداهو، لوآا، کنتاکی، مریلند، میشیگان، میسیسی پی، مونتانا، نوادا، نیومکزیکو، کالیفرنیا شمالی، اورگان، کالیفرنیا جنوبی، تنسی، تگزاس، ویرمونت، ویرجینیای غربی، ویسکانسین، وایومینگ خسارات تنبیهی را قابل بیمه می‌دانند اما ایالت‌های کالیفرنیا، کلرادو، فلوریدا، ایلینوئو، ایندیانا، کانزاس،

مینه سوتا، میسوری، نیوجرسی، نیویورک، اوهایو، اوکلاهاما، پنسیلوانیا و یوتا خسارات تنبیهی را غیرقابل بیمه می‌دانند. ایالات مینه داکوتای شمالی، رودایسلند، داکوتای جنوبی و واشنگتن دی سی در این خصوص ساکت هستند. ایالت‌های لوئیزیانا، ماساچوست، نبراسکا، نیوهمپشایر و واشنگتن اصلاً خسارات تنبیهی کامن لایی را نپذیرفته‌اند (ندرتی کلوانق، صص ۳۸-۴۰).

در حقوق انگلستان قضیه شورای شهر لنکشایر به طرفیت بیمه متقابل شهری در خصوص یک بیمه گری بود که باز پرداخت به یک مقام محلی که برای دو رای به خسارت تنبیهی مسئول شناخته شده بود امتناع می‌کرد در هر دو رای، مسئولیت مقام محلی به طور نیابتی به وجود آمده بود این مقام خواستار اعلام این بود که بیمه است و بیمه خسارت تنبیهی را پوشش می‌دهد، یک نتیجه منطقی از تحمیل مسئولیت نیابتی بر کارفرمایان این است که باید پوشش هر گونه مسئولیت ناشی از سوء رفتار کارمندان شان را نیز اجازه داد سیمون برون بیان داشت که این تئوری کلی که یک فرد نتواند در برابر نتیجه مسئولیت گرفتن ارتکاب یک جرم بیمه شود پسندیده است با این حال او هیچ دلیلی برای گسترش این اصل در انکار بیمه برای کسانی که مسئولیت آن را به وجود آورده‌اند تنها به خاطر اینکه مسئولیت نیابتی است، ندید (Loucas, 1996, p.p 131-132).

سیمون برون بیان نمود که حتی اگر مسئولیت خوانده قابل بیمه شدن باشد صدور یک خسارت تنبیهی هنوز هم به احتمال زیاد یک اثر تنبیهی دارند زیرا ممکن است محدودیت مسئولیت و مبلغ قابل کسر به خوبی طبقه بیمه نامه وجود داشته باشد که بیمه شده مجبور به پرداخت حق بیمه بالاتری در آینده می‌شود و امکان دارد بدین ترتیب مشکلی در تمدید کردن بیمه داشته باشد به علاوه او اشاره کرد که یک منفعت عمومی جداگانه‌ای در صحیح نگه داشتن قراردادهایی از اشخاص وجود دارد اگر بیمه گران حق بیمه می‌گیرند آنها باید با خطر مواجه شوند قراردادهای باید در زمینه‌ی مصلحت عمومی فقط در موارد بسیار روشن غیر قابل اجرا شناخته شوند. بیشتر استدلال‌ها در قضیه شورای شهر لنکشایر پذیرفته نشد لیکن از بیمه شدن خسارت تنبیهی حمایت شد چرا که:

۱- مدعیان بعید است برای خسارت تنبیهی در جایی که خواندگان توانایی مالی برای پرداخت هیچگونه غرامت قابل توجهی ندارند شکایت نمایند با این حال چنین توانایی ممکن است از طریق بیمه مسئولیت حاصل شود؛ (Law commission for England and Wales, 1997, p 237).

۲- رد امکان بیمه در قبال خسارت تنبیهی یک ناسازگاری و بی عدالتی در جایی که دیگر خواندگان قادر به پذیرش هدیه برای مواجهه با مسئولیت شان برای خسارت تنبیهی هستند ایجاد می‌نماید (Helmue Koziol, 2009, p 51).

پرونده شورای شهر رهنمود روشنی ارائه می‌دهد و بیمه خسارات تنبیهی را در جایی که مسئولیت نیابتی است تنفیذ می‌کند با این حال هنوز هم مقداری بحث وجود دارد، موردی که در آن فردی در قبال خسارت تنبیهی صادر شده شخصاً به دنبال جبران زیان تحت بیمه نامه‌اش می‌باشد در چنین مواردی ملاحظات مربوط به مصلحت عمومی قدرت بیشتری دارد و ممکن است که دادگاه‌ها را متقاعد به رد پوشش بیمه نماید. علیرغم این مباحث از دیدگاه حقوقدانان بیمه نمودن خسارت تنبیهی دارای محاسن و معایبی است که در این قسمت به این معایب و محاسن می‌پردازیم.

۷- معایب بیمه پذیری خسارت تنبیهی

۱- بیمه خسارات عمدی به با نظم عمومی باطل است و هیچ کس نمی‌تواند خساراتی را که به طور عمدی وارد می‌سازد بیمه کند زیرا چنین بیمه‌ای بیمه‌گر را با وضعیت پیش بینی نشده و خطرناکی روبه‌رو می‌سازد از این نظر که بیمه‌گذار را در اضرار به دیگران آزاد می‌گذارد بر خلاف نظم عمومی است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۷۱-۷۲). خسارت تنبیهی نیز که اغلب در مورد افعال عمدی و قابل سرزنش صادر می‌شود نباید بیمه شود.

به طور کلی بیمه در وضعیتی کاربرد دارد که ضررها تا اندازه‌ای دارای ویژگی اتفاقی یا احتمالی باشد حوادثی که حتمی الوقوع است را نمی‌توان بیمه نمود بلکه تنها می‌توان قبل از تحقق ضرر برای آن پس انداز نمود یا پس از تحقق ضرر برای ترمیم واقعیت اقتصادی قبلی تلاش کرد.

در خصوص تقصیرهای عمدی، مصلحت اجتماعی ایجاب می‌کند کسی نتواند با پرداخت مبلغی تقصیرهای عمدی خود را بیمه کند قانونگذار نیز چنین قراردادهایی را معتبر نشناخته و به شرکت بیمه اجازه داده است که پس از پرداخت خسارت زیان‌دیده برای استرداد وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه نمایند (قاسم زاده، ۱۳۸۷، صص ۱۲۰-۱۱۹).

به طور معمول بیمه گر مدعی است که عمل بیمه‌گذار که مسئولیت تنبیه را تولید نموده، باید از برخی جهات عمدی در نظر گرفته شود، به این ترتیب که از پوشش بیمه محروم شود چرا که واژه «واقع» و یا «حادثه» تعریف شده در بیمه نامه، به عنوان یک عمل غیر عمدی توسط بیمه شده مدنظر قرار گرفته است. سردرگمی موجود در زمینه‌ی بیمه پذیری خسارت تنبیهی به خاطر این است که یک شباهت نزدیکی میان تعریف ضررهای استثنای شده از پوشش بیمه‌ای و تعریف اقدامات موضوع مسئولیت تنبیهی وجود دارد، دادگاه‌ها و جوامع

اعمال موضوع خسارت تنبیهی را به طور متفاوتی مشخص نموده‌اند: مانند جایی که در آن عمل زیان آور «خودسرانه و افراطی»، «همراه با بی اعتنائی»، «بی احتیاطی فاحش تقصیر سنگین»، «ظالمانه» و «تکان دهنده وجدان» باشد (علی اکبری، ۱۳۹۴). با این حال هر یک از این اصطلاحات نشان می‌دهند که این اعمال موضوع مسئولیت تنبیهی با یک فاصله‌ی قابل توجهی از طیف فعالیت‌های عادی شهروندان جدا شده‌اند. مسئله حقوقی در این موارد این است که آیا اعمال تعریف شده مطابق با این اصطلاحات، از پوشش شروط بیمه نامه خارج هستند یا نه.

اولین دلیلی که برای عدم اعتبار بیمه در فرض حادثه عمدی ارائه شده است آن است که بیمه از حالت اعتمادی خارج می‌شود، و به عبارت بهتر احتمال ایجاد حادثه بالاتر می‌رود. به همین خاطر به نظر می‌رسد، که ایجاد عمدی حادثه را به دو جهت نمی‌توان موضوع بیمه مسئولیت قرارداد: ۱- اراده طرفین، ۲- نظم عمومی: بدین تفصیل که در هر قرارداد و از جمله بیمه مسئولیت، چنین فرض می‌شود که مفاد تراضی، ایجاد حادثه‌ی عمدی توسط بیمه‌گذار را استثنا کرده است، گذشته از این فرض، اعتبار بیمه مسئولیت در فرض تقصیر عمدی، مخالف نظم عمومی است؛ زیرا بیمه‌گذار که می‌بیند بار نهایی مسئولیت را بیمه‌گر تحمل می‌کند خود را در زیان رساندن به جان و مال دیگران آزاد می‌داند و بدین امور تشویق می‌شود (کاتوزیان و ایزانلو، ۱۳۸۹، صص ۳۱-۴۶).

به نظر می‌رسد که یک توافق بسیار گسترده وجود دارد که مسئولیت کیفری در معنای دقیق خود قابل بیمه نیستند. هم بر اساس سیاست بازدارندگی و هم به خاطر اینکه جریمه‌های کیفری معمولاً مستلزم اثبات قصد عمدی و مجرمانه هستند. به همین خاطر بسیاری از دادگاه‌ها، در جایی که مسئولیت مدنی ناشی از عمل مجرمانه است؛ پوشش بیمه را انکار نموده‌اند. با این حال، این رویکرد جدیداً تضعیف شده است.

۲- تا حدی که مسئولیت در قبال خسارت تنبیهی بیمه می‌شود، فرض می‌شود که از فشار تنبیهی یک چنین رأیی بر خطاکار که از مجازات مناسب خود فرار می‌کند، احتراز می‌شود، و در نتیجه اثر تنبیهی و بازدارندگی مفروض چنین رأیی را تضعیف می‌کند. در صورتی که بیمه مسئولیت توسط حقوق اجازه داده و توسعه بیمه‌کنندگان پوشش خسارت تنبیهی عرضه شده باشد، تاثیر تنبیهی آرای خسارت تنبیهی قطعاً کاهش می‌یابد، یا حداقل منحرف می‌شود. حداقل برخی از بیمه‌گرانی که قبلاً چنین ضررهایی را طبق مقررات مسئولیت عمومی تحت فشار تحت پوشش قرار داده بودند، تلاش نموده‌اند که از طریق استثناء قراردادی از مسئولیت در قبال چنین ضررهایی اجتناب کنند. بنابراین، بازار بیمه خودش، به خصوص در پاسخگویی به صدها میلیون دلار خسارت تنبیهی در موارد آزرست، با این مسئله تا حدودی برخورد کرده است. با این حال، حقوق می‌تواند موضوع را از طریق منع بیمه برای چنین خساراتی به خاطر صلت عمومی ساده کند. اما به نظر می‌رسد که بهترین استدلال در حمایت از غیرقانونی اعلام کردن قراردادهای بیمه برای مسئولیت تنبیهی، حداقل در مورد خوانندگان شخص حقوقی و سوء رفتار همراه با سوء نیت توسط اشخاص حقیقی باشد. با توجه به عدم وجود تقصیرعمده در بسیاری از موارد مسئولیت نیابتی، برخی از ایالت‌های آمریکا که خسارت تنبیهی را به طور کلی منع کرده‌اند، آن را در موارد مسئولیت نیابتی اجازه داده‌اند.

۳- بیمه مسئولیت، مسئولیت نیابتی و مسئولیت دولت - بیمه خسارت تنبیهی و مسئولیت نیابتی دارای یک وجه تشابه خاص هستند و آن این است که در هر دو مورد شخص دیگری بار مسئولیت فرد خطاکار را بدو به دوش می‌کشد، در نتیجه فرد خاطی احتیاط‌های لازم را در انجام رفتارهای خود لحاظ نمی‌کند با این دیدگاه که دیگری پاسخگوی مسئولیت او خواهد بود. این موضوع در تحلیل‌های اقتصادی مخاطره اخلاقی نامیده می‌شود که چنین بیمه‌ای سبب می‌شوند که اثر تنبیهی آرا خسارات تنبیهی به اشخاص ثالث بی گناه منتقل شود دیگر بیمه‌گذاران، سهام‌داران و مالیات دهنندگان - که در سوء رفتار شرکت نداشته‌اند و بنابراین از سرزنش مبرا هستند، لیکن در نهایت بار مسئولیت چنین رأیی را به طور غیرمنطقی و ناعادلانه متحمل خواهند شد.

۴- موضوع بیمه مشکل مهم دیگری را مطرح می‌کند: قربانی مشتاق. قربانی مشتاق کسی است که تمایل دارد که آسیبی را متحمل شود به منظور اینکه خسارت دریافت نماید. در صورتی خسارت تنبیهی بیش از اندازه جبران خسارت نماید، آنها می‌توانند بازدارنده‌هایی برای اتخاذ اقدام احتیاطی توسط قربانی ایجاد نمایند. به طور کلی، اتخاذ یک دفاع مانند تقصیر مشترک، مانع اتخاذ اقدام احتیاطی ناکافی توسط قربانیان می‌شود (Cooter, 1982, pp 96-97). این مشکل در جایی است که قربانیان از حادثه صرفاً ضرر و زیان مالی دیده‌اند و خسارت تنبیهی علاوه بر خسارت جبران کامل را دریافت کنند، لیکن قبل از وقوع حادثه پیشبینی این امور برای قربانی دشوار است، از سوی دیگر تا حدی که ضرر و زیان‌ها شامل مرگ، قطع عضو، از شکل افتادن اندام‌های بدن، یا آسیب دائمی می‌شود، صرف نظر از اینکه میزان جبران خسارت چقدر است تعداد کمی یا هیچ قربانی مشتاقی وجود نخواهد داشت. در این شرایط، آسیب زندگان بالقوه باید اقدام احتیاطی را تا میزانی که ارتباط میان آسیب‌ها و هزینه‌ی اجتناب از آسیب‌ها در آن زمینه کاری به طور کلی معقول در نظر گرفته می‌شود، اتخاذ کند. ایراد وارد به بیمه‌ی خسارت تنبیهی در چنین مواردی این است که ظاهراً انگیزه اقدام مراقبت برای دارندگان بیمه در اتخاذ اقدام احتیاطی را کاهش می‌دهد، و در نتیجه رفتار غیرمنطقی و حوادث بیش از حد را به وجود می‌آورد.

۸- مزایای بیمه پذیری خسارت تنبیهی

۱- نخست اینکه، از بیمه نامه‌ها انتظار پوشش کلیه خسارات، از جمله خسارت تنبیهی می‌رود و بیمه نامه باید ضرورتاً به این انتظار پاسخ مثبت دهد. بیمه گذار، کسی که اطمینان دارد خطرات مسئولیت اش تحت پوشش بیمه هستند، حتی اگر محکوم به بی احتیاطی فاحش شود و برای خسارات تنبیهی مسئولیت یابد، باید همچنان توسط بیمه حمایت شود. این استدلال مخصوصاً در زمینه مسئولیت ناشی از محصولات معیوب که در آن خط میان بی احتیاطی و بی احتیاطی فاحش می‌تواند کاملاً مبهم باشد و خسارت تنبیهی صادر شود، مورد استفاده قرار گیرد (Kozioł, cit.op., p214). به علاوه، در اغلب کشورها بیمه مسئولیت در فرض تقصیر سنگین معتبر است و در حقوق ایران نیز، صرفاً طبق ماده‌ی ۱۴ قانون بیمه تقصیر عمدی استثناء شده است (کاتوزیان، ایزانلو، منبع پیشین، ص ۴۹-۵۱).

۲- استدلال دوم این است آزادی قراردادی نباید محدود شود و اینکه اگر یک تقاضایی برای پوشش بیمه‌ی خسارت تنبیهی وجود دارد، این تقاضا باید با ارائه چنین پوششی امکان پذیر شود و اگر شرکت‌های بیمه این‌گونه قراردادها را برای خود مضر می‌دانند می‌توانند راهکارهای لازم خود را تدارک ببینند.

۳- سومین استدلال در حمایت از بیمه‌پذیری خسارت تنبیهی این است که این پوشش از ورشکستگی خواندگان جلوگیری می‌نماید، در ضمن این موضوع به احتمال بیشتر خسارات تنبیهی را به طور واقعی پرداختنی می‌سازد. یک پیچیدگی عمده در تحلیل‌های اقتصادی در مورد مطلوبیت وجود بیمه مسئولیت از مشکل اعسار از محکوم به ناشی می‌شود. در صورتی که آسیب زندگان بتوانند از الزام به پرداخت مقداری از آسیبی که باعث شده‌اند، به خاطر محدود بودن اموالشان بگریزند و شانه خالی کنند؛ دارای انگیزه کاهش یافته‌ای هم در اتخاذ اقدامات احتیاطی به هم در محدود کردن مشارکشان در فعالیت‌های ریسک دار هستند. به عبارت دیگر، تمایل آنها برای احتیاط کردن و دوری از خطر کم می‌شود. در حالت حادثه، این آسیب زنده‌ی بدون هیچ دارایی، هیچ انگیزه‌ی مسئولانه‌ی برای کاهش خطرات ندارد. همانطور که تاکنون ملاحظه نمودید مسئولیت مدنی سبب می‌شود که اشخاص هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌هایشان را درونی کنند، بنابراین اشخاص فعالیت و سطوحی از مراقبت را انتخاب می‌کنند که از نظر اجتماعی مطلوب باشد. احتمال فرار از مسئولیت از طریق ورشکستگی این نتیجه را تغییر می‌دهد. وقتی خسارت بالقوه زیان دیدگان شبه جرم بیشتر از دارایی خالص اشخاص باشد، اشخاص قسمتی از ریسک را بیرونی می‌کنند، لذا انگیزه‌ی اشخاص برای اقدام پیشگیرانه و محدود کردن سطح فعالیت از بین می‌رود. به علاوه اگر مسئولیت شبه جرم سبب ورشکستگی و تصفیه شود دارایی‌های غیر قابل انتقال شرکت‌ها مانند شهرت، دانش کارمندان در این زمینه که چگونه شرکت تجارت می‌کند (سرمایه‌ی خاص انسانی) از بین می‌رود (شاول، ۱۳۸۸، ص ۲۷۴).

بستگی به توانایی بیمه کنندگان در کنترل بیمه شدگان، عرضه بیمه‌ی مسئولیت هم می‌تواند این مشکل را بهتر و هم بدتر نماید. در صورتی که بیمه‌کنندگان به‌طور قابل ملاحظه‌ای قادر به کنترل (کردن) رفتار پرخطر بیمه شوندگان نباشند، چرا که بیمه کنندگان می‌توانند به راحتی رفتار خطرناک بیمه شدگان را مشاهده کنند و نرخ حق بیمه‌ها را با رفتار بیمه شدگان مرتبط کنند بیمه مسئولیت مشکل اعسار از محکوم به را بدتر خواهد کرد. در نتیجه منع عرضه چنین بیمه‌ای سودمند خواهد بود. برعکس، اگر شرکت‌های بیمه بتوانند به راحتی رفتار بیمه‌شدگان را مشاهده و کنترل کنند، بیمه مسئولیت می‌تواند مشکل اعسار از محکوم به را کمتر کند. برای مثال بیمه کننده‌ای ممکن است ملزم کند که رستوانی کپسول آتش نشانی و سیستم آب پاش برای کاهش خطرات آتش سوزی نصب کند. در این حالت، اجازه اصلی بیمه مسئولیت نه تنها مطلوب است، بلکه حتی ممکن است الزام به عرضه آن نیز سودمند باشد.

۹- نتیجه گیری

بعضی از حقوقدانان در خصوص بیمه پذیری خسارات تنبیهی بیان می دارند که این دلیل که به طور کلی اجازه بیمه برای خسارت تنبیهی مطلوب است، بهتر است از طریق پذیرش این مطلب در کشوری که خسارت تنبیهی مطابق با تئوری آنان یک روشی است تا خوانندگان آسیب وارده را هنگامی که دارای شانس فرار از مسئولیت هستند بپردازند. بنابراین، این پرسش که آیا خسارت تنبیهی باید قابل بیمه شدن باشد در اصل همانند این سوال است که آیا خسارت جبرانی باید بیمه پذیر باشد. البته که، خسارت جبرانی قابل بیمه شدن است، اما چه دلیلی را می توان برای اجازه ی آن ارائه داد؟ این سوال را وقتی در نظر بگیرید که مسئولیت محض و آسیب وارده کاملاً مالی است، در این حالت، اجازه ی تهیه بیمه ی مسئولیت، از لحاظ اجتماعی مطلوب است. بیمه مسئولیت، رفاه آسیب زندگان بالقوه را بالا خواهد برد، به همین دلیل آنها تصمیم به خرید آن می گیرند، و در دسترس بودن چنین بیمه ای برای رفاه قربانیان تأثیر نمی گذارد، چرا که آنها به هر طریق به طور کامل جبران خسارت می شوند. حتی اگر تهیه بیمه مسئولیت باعث شود که آسیب زندگان کمتر مراقبت بکنند و در نتیجه تعداد حوادث افزایش یابد، اثری بر قربانیان نخواهد گذاشت چرا که آنها به طور کامل جبران خسارت خواهند شد (شاوول، ۱۳۸۸).

با این حال، در صورتی که ضررها غیر مالی باشند، ممکن است غرامت قربانیان به طور کامل پرداخت نشود، یا در صورتی که قاعده مسئولیت مبتنی بر تقصیر اعمال گردد، ممکن است اصلاً جبران خسارت صورت نگیرد. در نتیجه، اگر بیمه ی مسئولیت منجر به افزایش تعداد حوادث شود، رفاه قربانیان لطمه خواهد دید. با این وجود، می توان نشان داد که چه بیمه ای اغلب از لحاظ اجتماعی مطلوب است (حتی در این هنگام)، چرا که ارزش بیمه برای بیمه شدگان ممکن است از ضرر بر رفاه قربانیان بیشتر باشد. علاوه بر این، ضرر های قربانیان کاهش می یابد چونکه بیمه کنندگان مسئولیت دارای انگیزه مالی برای سازماندهی پوشش بیمه و حق بیمه برای کنترل مخاطرات هستند. برای مثال بیمه کنندگان ممکن است حق بیمه ها را بر اساس سابقه مطالبات بیمه شده قرار دهند یا ممکن است فقط پوشش جزئی را پیشنهاد دهند، یا حتی ممکن است لازم باشد بیمه شده اقدامات خاصی را برای کاهش خطر انجام دهد. در نتیجه، خرید بیمه مسئولیت ممکن است به طور قابل توجهی انگیزه های بیمه شده برای اتخاذ اقدامات احتیاطی (احتیاط کردن) را کاهش ندهد.

علاوه بر این، اگر بیمه مسئولیت پذیرفته نشود، نه تنها رفاه آسیب زندگان بالقوه کاهش می یابد بلکه آنها ممکن است از درگیر شدن در برخی فعالیت های اجتماعی مفید که خطرات مسئولیت را مطرح می کنند، صرف نظر کنند. برای مثال، جراحان ممکن است از انجام جراحی های خاص خودداری کنند یا شرکت های هواپیمایی عمومی تولید خود را متوقف کنند. حتی زمانی که عرضه کالا و خدمات ادامه می یابد، قیمت ها به خاطر پوشش ریسک های مسئولیتی که چنین ارائه دهندگانی در حال حاضر مجبور تحمل آن به طور مستقیم هستند، افزایش می یابد، در نتیجه افزایش قیمت به طور کلی از آنچه که در نتیجه خرید بیمه مسئولیت به وجود می آمد فراتر می رود. هر دوی این عواقب نپذیرفتن بیمه مسئولیت - خروج احتمالی از فعالیت های خاص و افزایش قیمت فعالیت های دیگر - به مصرف کنندگان محصولات و خدمات تحت تأثیر صدمه می زند. این ملاحظات اجازه فروش بیمه مسئولیت را حمایت می کند.

توضیح داده شد که با وجود برخی شرایط، به طور کلی مطلوب است که به آسیب زندگان بالقوه اجازه اخذ بیمه مسئولیت برای خسارت جبرانی داده شود. از آنجایی که خسارت تنبیهی طبق دیدگاه بازدارندگی جایگزینی برای خسارت جبرانی هستند هنگامی که آسیب زندگان توان فرار از مسئولیت را دارند، اساساً همان استدلالات این نتیجه گیری که به طور کلی اجازه ی فروش بیمه مسئولیت برای خسارت تنبیهی نیز مطلوب است را تأیید می کند، چنانکه اکثراً ایالات های آمریکا نیز قبلاً چنین کرده اند.

فهرست منابع

- افشار، حسن، ۱۳۸۷، ابعاد حقوقی بیمه‌های اشخاص، تهران: نشر آریان.
- اقبال، میثم و قنبری، بیتا، ۱۳۹۵، مسئولیت مدنی در نظام حقوقی کامن لاء مصادیق مسئولیت مدنی کدامند؟، مجله: تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۶.
- تقی‌زاده، ابراهیم و خسروی فارسانی، علی و موسی پور، میثم ۱۳۹۱، ماهیت و آثار «خسارت تنبیهی» در حقوق کامن لا (با مطالعه تطبیقی) دانش حقوق مدنی» سال اول- شماره ۱.
- داراب پور، مهرباب و سلطانی احمدآباد، سعید، ۱۳۹۴، فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی، حقوقی بین المللی، سال سی و دوم - شماره ۵۲.
- علی اکبری، داوود، ۱۳۹۴، مخاطره اخلاقی و راه‌های مهار آن در بیمه‌های دریایی، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
- شاول، استیون، ۱۳۸۸، مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه محسن اسماعیلی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- کریمی، آیت، ۱۳۸۸، بیمه اموال و مسئولیت، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۹، وقایع حقوقی مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- کاتوزیان، ناصر و ایزانلو، محسن، ۱۳۸۹، الزام‌های خارج از قرارداد (جلد سوم) «بیمه مسئولیت مدنی»، انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسم زاده، سیدمرتضی، بهار ۱۳۸۷، مبانی مسئولیت مدنی، نشر میزان، چاپ پنجم.
- عبداللهی، محسن، ۱۳۸۳، «خسارت تنبیهی در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۰، صص ۱۱۹-۸۵.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، الزامات خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی، جلد ۱، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۴، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مقصودی پاشاکی، رضا، ۱۳۸۸، مطالعه تطبیقی وجه التزام، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق.
- ندرته کلوانق، اکبر، ۱۳۸۶، مطالعه تطبیقی خسارت تنبیهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، واحد پردیس قم، دانشکده حقوق.
- ویولن، کوتر، ۱۳۸۷، «مقدمه‌ای بر حقوق اقتصاد»، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۶۴۷، مورخ ۱۳۸۷/۷/۳۰، ص ۱۰.
- ندرته کلوانق، اکبر، ۱۳۸۶، مطالعه تطبیقی خسارت تنبیهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، واحد پردیس قم.
- هارونی، فاطمه، ۱۳۸۶، بیمه‌پذیری، محدودیت و گسترش آن، مجله تازه‌های جهان بیمه، شماره ۱۱۴-۱۱۳.

منابع انگلیسی

- Black, H.Campbell, 1968, blacks law dictinary, fourth editin, London, west publicatin.
- Blatt Richard l. & Hammesfahr, Robert W. & Nugent,Loris,1991, a state by state guide to law and practie, fist editin, London, west publicatin.
- Lunney, Mark & Oliphant, Ken, 2002, Tort law, London, waterloo publicatin.
- Owen, David G., 1995, philosophical foundatins of tort law, first editin, New York, clarendon press.
- Oxford dictinary of law,1377, fist editin, Tehran, Agah publicatin.
- Royers W. V. H.,1989, the law of tort fundamental principles of law, London, sweet and maxwell publicatin.
- Bryan A. Garner, Black's Law Dictionary, 9 Te Ed, 2011, West Publishing Co, USA.
- SAISIRI SIRIVIRIYAKUL, THE IMPOSITION OF PUNITIVE DAMAGES: A COMPARATIVE ANALYSIS, Submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of the Science of Law in Law in the Graduate College of the University of Illinois at Urbana-Champaign, 2012.
- L. Loucas, Exemplary Damages: policy terms, international insurance Law review, 1996.
- Law commission for England and Wales, Aggravated, Exemolary and Restitutionary Damages, Law. Com, No 247, 1997.
- Helmue Koziol, Punitive Damages: common Law and civil Law perspectives, 2009, pringer Wien newyork.
- Cooter, Robert D., Economic analysis of punitive damages. University of Southern California Law Review, 1982.